تفسیر نوجوان ۱

تسبیح طبیعت

برگرفته از تفسیر موضوعی آیت الله جعفر سبحانی



به اهتمام:

دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

تسبیح طبیعت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تسبیح طبیعت (برگرفته از تفسیر موضوعی آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی محمد، ۱۳۳۷، -گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : تسبیح طبیعت (برگرفته از تفسیر موضوعی آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی) / به اهتمام محمد بیستونی.

مشخصات نشر : تهران : مفتاح دانش : بیان جوان ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۳۴ص. ؛ ۱۱ × ۱۷ س‌م.

فروست : تفسیر سبحان؛ ۱.

شابک : ۲۵۰۰۰ریال :۶-۸-۹۱۴۸۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : تسبیح خدا (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۹۸/ب۹۵ت۵ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۳۰۴۷۷

فهرست مطالب

تقدیم به

سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا
وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَةِ
الْمُصْطَفی وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ
شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاَئِمَّةِ التِّسْعَةِ
الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّةِاللّهِ فِی‌الاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُوم
الاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،
الْحُجَّةِبْنِ‌الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ
الاَوْلِیاءِوَیامُذِلَ‌الاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ‌الْمُتَّصِلُ‌بَیْنَ‌الاَرْضِ‌وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا
وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَةٍ
مُزْجاةٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ
فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْکَ
اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

(۴)

متن‌اجازه‌نامه حضرت آیهٔ‌اللّه سبحانی

برای تدوین آثار معظمٌ‌له متناسب با مخاطبین جوان

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

حضور انور جناب آقای دکتر محمد بیستونی (دام مجده)

با اهداء سلام

نامه جنابعالی رسید و از فعالیت‌های قرآنی آن عزیز آگاه شدم. درباره آثار قرآنی اینجانب مجازید به هر نحوی که مصلحت دانستید برای مخاطبان جوان آماده سازید و شیوه نگارش مانند آثار پیشین جنابعالی باشد.

با تقدیم احترام

جعفر سبحانی

۱۱/۷/۱۳۸۸

(۵)

متن تأییدیه حضرت آیةاللّه العظمی جعفر سبحانی

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

یکی از گام‌های مؤثر که باید مفسران اسلامی در تشریح و تفهیم مقاصد عالی قرآن بردارند این است که، دگرگونی عمیقی در شیوه تفسیر به وجود آورند و از تکرار تفسیر قرآن به شیوه ترتیبی که سوره به سوره یا آیه به آیه است، خودداری نمایند و توجه خود را به شیوه دیگری که همان «تفسیر موضوعی» است، معطوف سازند. آن‌گاه خواهند دید در این نوع تفسیر چه پنجره‌های زیبایی از علوم و معارف قرآن در چشم‌انداز تفسیری آنان گشوده می‌شود.

(۶)

در همین راستا برادر فرزانه جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان در تلاشی بیست ساله با لطف و عنایات ویژه الهی شش نوع تفسیر موضوعی برای شش مخاطب هدف تحت عناوین تفسیر کودک، تفسیر نوجوان، تفسیر جوان، تفسیر زنان، تفسیر مردان و تفسیر خانواده با نظارت علمای برجسته حوزه‌های علمیه تألیف و منتشر نموده و چندین کتب ارزنده قرآنی و تفسیر موضوعی مستقل را نیز تحت عناوینی همچون تغذیه، باستان‌شناسی، هنرهای دستی، دنیای‌حیوانات، شعر و شاعری، آب و باران، فقر و ثروت، نهج‌البلاغه جوان، خلاصه الغدیر، لغت‌شناسی و مفاهیم قرآن کریم‌و... را با نگاه ویژه به قرآن، حدیث و علوم روز برای نسل جوان تألیف و چاپ و منتشر نموده است که این حجم‌از فعالیتهای تأثیرگذار قرآنی در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد.

برای ایشان تداوم توفیقات و طول عمر همراه با صحت، عزّت و حسن عاقبت را خواهانم و به همه خانواده‌های محترم و جوانان عزیز توصیه می‌نمایم از همه آثار ارزشمند و کاربردی ایشان که با محتوای عمیق و ساده و زیباترین شکل ارائه شده است حداکثر استفاده را بنمایند.

(۷)

قم ـ جعفر سبحانی

۴/۸/۸۸

(۸)

متن تأییدیه حضرت آیت‌اللّه محمد یزدی

رئیس‌شورایعالی‌حوزه‌های‌علمیه‌ورئیس‌دبیرخانه‌مجلس‌خبرگان‌رهبری

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به‌وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت

فروفرستاده است؛ همواره‌انسان‌هارا دستگیری و راهنمایی‌نموده و

(۹)

می‌نماید.

این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند.

ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف

(۱۰)

دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است.

کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن

(۱۱)

انجام داده‌اند ؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

۱/۲/۱۳۸۸

(۱۲)

مقدمه

قرآن‌کریم درآیات ۸۲ سوره اِسراء و ۴۴ فُصِّلَت و ۵۷ یُونس خود را به عنوان نسخه شفابخش معرفی می‌کند. بنابراین می‌توان این کتاب آسمانی را همچون داروخانه‌ای فرض کرد که بیماران و نیازمندان متناسب با نوع بیماری و نیاز خاص خود باید به سراغ آن رفته و برنامه زندگی و نجات خود را از این گنجینه معنوی و مادی انتخاب کنند تا پرنده زیبای خوشبختی را در آغوش گرفته و در ساحل امن و آرام آن طی مسیر نموده و دنیا و آخرت خود را در سایه عمل به محتوای قرآن آباد سازند.

در همین راستا گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان که تشکلی مردمی و غیرانتفاعی است ۱۰ مؤسسه تخصصی‌قرآنی را تأسیس‌نموده‌است تاهریک‌از مؤسسات‌متناسب‌با «مخاطب‌خاص» یا «موضوع خاص» مندرج در اساسنامه

(۱۳)

رسمی خود، گروههای سِنّی گوناگون را با آیات مرتبط با همان گروه مأنوس ساخته و درک و فهم آیات موضوعی را برای آنان ساده و میسر سازد. لذا براساس فلسفه وجودی تأسیس هر مؤسسه، شش نوع تفسیر موضوعی بر اساس شش جمعیت هدف در مؤسسات مذکور تدوین و منتشر شده است که عبارتند از:

– «تفسیر کودک» ویژه کودکان پیش دبستانی تا پایان دبستان که حدود ۲۰۰ آیه مورد نیاز برای کودکان عزیز به صورت گرافیکی، مفهومی و به ۴ زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه در ۳۰ جلد به صورت تمام رنگی در قطع بیاضی را در خود جای داده است.

- «تفسیرنوجوان» ویژه نوجوانان مقطع راهنمایی تا پایان دبیرستان است که حدود ۲۰۰۰ آیه موضوعی متناسب با نیازهای نوجوانان عزیز در قطع

(۱۴) تسبیح طبیعت

جیبی با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰ جلد را دربرگرفته و با استفاده‌از ۹رنگ جذاب در چاپ متن برای جامعه هدف خود طراحی شده و به دلیل دارابودن فهرستواره موضوعی این امکان را برای نخستین بار برای نوجوانان فراهم می‌سازد تا بدون‌نیاز به‌استاد حدودا ۴۰۰۰ موضوع از قرآن کریم را به سادگی فیش‌برداری و تحقیق نموده و در قالب مقاله یا کتاب ارائه دهند.

- «تفسیر جوان» ویژه جوانان دانشجو و بزرگسالان می‌باشد که کل آیات قرآن را با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰جلد به خود اختصاص داده است و جوانان عزیز بااستفاده‌از فهرستواره موضوعی و الفبایی فارسی این تفسیر قادر خواهند بود تا حدود ۱۰/۰۰۰ موضوع مورد نیاز خود را پژوهش و استخراج نمایند.

- «تفسیرزنان» در این تفسیر مجموعه آیات مربوط به بانوان محترم

مقدمه (۱۵)

استخراج شده و در ذیل هر آیه تفسیر آن بر اساس سه‌تفسیر معتبر موجود یعنی «تفسیر نمونه» تألیف حضرت آیهٔاللّه العظمی مکارم شیرازی و «تفسیر مجمع البیان» اثر گرانسنگ مفسّر بزرگ جهان تشیع امین‌الاسلام مرحوم آیهٔاللّه طبرسی (متوفّی به سال ۵۴۸ ه.ق) و «تفسیر المیزان» نوشته مرحوم آیهٔاللّه علامه طباطبایی، درج شده است. البته مجموعه مطالب استخراج شده از تفسیر المیزان درباره زنان و خانواده به صورت یکجا جمع‌آوری و در پایان کتاب درج شده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۲۷۵ آیه می‌باشد.

- «تفسیر مردان» که دربردارنده آیات مربوط به آقایان می‌باشد. نظیر آیاتی که وظایف و تعهدات مردان نسبت به خانم‌ها را تبیین نموده یا گروه آیات جهاد و شهادت. تعداد آیات گزینش شده دراین تفسیر ۳۵۰ آیه می‌باشد.

- «تفسیر خانواده» مجموعه آیات مرتبط با مسائل خانوادگی را به صورت تخصصی و موضوعی مورد ارزیابی قرار داده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۴۲۵ آیه می‌باشد.

(۱۶) تسبیح طبیعت

پس‌از پایان‌کار تدوین ۶ تفسیر مذکور برای ۶ جمعیت هدف، کارهای انجام شده را به مرجع بیدار و هوشیار جهان اسلام حضرت آیهٔاللّه العظمی جعفر سبحانی که پایه‌گذار نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی می‌باشند ارائه داده و از محضرشان تقاضا نمودم تا اجازه دهند مجموعه آثار قرآنی معظّم‌له را که بسیار کاربردی، متنوع و گسترده و مورد نیاز جامعه امروز می‌باشد برای استفاده نسل جوان و عموم مردم ساده‌سازی و چاپ و منتشر نمایم و ایشان با تقاضای بنده موافقت فرمودند.

کتاب حاضر یکی از موضوعاتی است که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی همواره مورد بحث و سؤال بوده و خصوصا اخیرا به دلیل کشف تأثیرپذیری و

مقدمه (۱۷)

عکس العمل هدفمند و معنی‌دار مولکولهای آب و سایر اجسام از محیط اطراف خود ابعاد جدیدی پیدا کرده است.

امیدوارم خداوند منّان ما و شما را شکرگزار نعمت وجود علمای روشنفکر که ادامه دهندگان راه انبیاء و اولیاء الهی هستند قرار داده و توفیق فهم و درک و نشر مفاهیم زندگی‌ساز و نشاط آفرین قرآن کریم را به همگی عنایت فرماید.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران ۸/۸/۱۳۸۸ مصادف با سالروز ولادت

سلطان قلبها علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

(۱۸) تسبیح طبیعت

آیات موضوعِ تسبیحِ طبیعت (۲۶ آیه)

. «...وَ اِنَّ مِنْها لَما یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَةِ اللّهِ...»

(۷۴ ـ بقره)

«برخی از صخره‌ها، از ترس خدا، از نقطه‌ای می‌افتد».

. «وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِه وَ الْمَلئِکَةُ...»

(۱۳ ـ رعد)

«رعد و فرشتگان به تسبیح و ستایش او مشغولند».

. «وَلِلّهِ یَسْجُدُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَ الاَرْضِ طَوْعا وَ کَرْها وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الاْصالِ» (۱۵ ـ رعد)

تسبیح طبیعت (۱۹)

«آن‌چه که در آسمان‌ها و زمین است و همچنین سایه‌های آن‌ها صبح و شام از روی میل و اجبار، برای خدا سجده می‌کنند».

. «...وَ اِنْ کانَ مَکْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبالُ»

(۴۶ ـ ابراهیم)

«نزدیک است که از حیله آنان، کوه‌ها از جای خود کنده شوند».

. «اَوَ لَمْ یَرَوْا اِلی ما خَلَقَ اللّهُ مِنْ شَیْءٍ یَتَفَیَّؤُا ظِلالُهُ عَنِ الْیَمینِ وَ الشَّمائِلِ سُجَّدا لِلّهِ وَ هُمْ داخِرُونَ»

(۴۸ ـ نحل)

(۲۰) تسبیح طبیعت

«مگر نمی‌نگرند به اجسامی که خدا آفریده است که سایه‌های آن‌ها از راست و چپ (صبح و عصر) حرکت می‌کنند و خدا را سجده می‌نمایند، در حالی که خود اجسام در حال خضوع و اطاعت هستند».

. «وَ لِلّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الاَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِکَةُ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ» (۴۹ / نحل)

«برای خدا آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، از جنبندگان و فرشتگان سجده می‌کنند و هرگز کِبر نمی‌ورزند».

تسبیح طبیعت (۲۱)

. «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمواتُ السَّبْعُ وَ الاَرْضُ وَ مَنْ فیهِنَّ وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلاّ ـ یُسَبِّحُ بِحَمْدِه وَلکِنْ لا ـ تَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ اِنَّهُ کانَ حَلیما غَفُورا» (۴۴ ـ اسراء)

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر موجود عاقلی که در آن‌ها است، خدا را تنزیه می‌کند و آن چه در جهان هستی به عنوان «شیء» شناخته شده است، خدا را با ستایش تنزیه می‌کند، ولی شما از تسبیح آن‌ها آگاه نیستید و درک نمی‌کنید».

. «تَکادُ السَّمواتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الاَرْضُ وَ

(۲۲) تسبیح طبیعت

تَخِرُّ الْجِبالُ هَدّا» (۹۰ ـ مریم)

«نزدیک است که آسمان‌ها از هول آن فرو ریزد و زمین بشکافد و کوه‌ها درهم کوبیده شود».

. «اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَ مَنْ فِی الاَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوابُّ وَ کَثیرٌ مِنَ النّاسِ...» (۱۸ ـ حج)

مگر نمی‌بینی خدا را، آن چه در آسمان‌ها و زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و چهارپایان و بسیاری از مردم سجده می کنند...».

تسبیح طبیعت (۲۳)

. «یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَیْدیهِمْ وَ اَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَعْمَلُونَ» (۲۴ ـ نور)

«روزی فرامی‌رسد که زبان‌ها و دست‌ها و پاهای آنان بر ضرر آنان گواهی می‌دهد».

. «اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ یُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَالاَرْضِ وَالطَّیْرُ صافّاتٍ کُلٌّ قَدْعَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ...»

(۴۱ ـ نور)

(۲۴) تسبیح طبیعت

«آیا ندیدی آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، خدا را تسبیح می گویند و مرغان گشاده بال نیز تسبیح می گویند و هر کدام به دعا و تنزیه خود آشنا است».

. «وَ وَرِثَ سُلَیْمنُ داوُدَ وَ قالَ یا اَیُّهَا النّاسُ عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّیْرِ...» (۱۶ ـ نمل)

«سلیمان وارث داوود شد و گفت: مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم شده است».

تسبیح طبیعت (۲۵)

. «وَ حُشِرَ لِسُلَیْمنَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَالطَّیْرِ...» (۱۷ ـ نمل)

سپاهیان سلیمان، از سه گروه جن و انسان و پرندگان حاضر شدند».

. «...یا اَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمنُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ» (۱۸ ـ نمل)

«مورچگان! به لانه‌های خود پناه ببرید تا سلیمان و سپاهیان او شماها را نابود نکنند، در حالی که آنان متوجه نیستند».

(۲۶) تسبیح طبیعت

. «فَتَبَسَّمَ ضاحِکاً مِنْ قَوْلِها وَ قالَ رَبِّ اَوْزِعْنی اَنْ اَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی اَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ...»

(۱۹ ـ نمل)

«سلیمان، از شنیدن ندای مورچه در شگفت ماند و از خدا خواست که به او توفیق شکرگزاری نعمتی را دهد که بر او و والدین او ارزانی داشته است».

. «اِنّا عَرَضْنَا الاَمانَةَ عَلَی السَّمواتِ وَ الاَرْضِ وَالْجِبالِ فَاَبَیْنَ اَنْ یَحْمِلْنَها وَاَشْفَقْنَ مِنْهاوَحَمَلَهَا الْاِنْسانُ

تسبیح طبیعت (۲۷)

اِنَّهُ کانَ ظَلُوما جَهُولاً» (۷۲ ـ احزاب)

«ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و از آن ترسیدند، انسان آن را پذیرفت و هم بسیار ستمکار و نادان بود».

. «اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلی اَفْواهِهِمْ وَ تُکَلِّمُنا اَیْدیهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ» (۶۵ ـ یس)

«روزی فرا می‌رسد که بر زبان آنان مهر می‌زنیم و دست‌های آنان را به سخن گفتن وادار می کنیم و پاهای آنان بر کردار بد آنان گواهی می‌دهد».

(۲۸) تسبیح طبیعت

. «اِنّا سَخَّرْنَا الْجِبالَ مَعَهُ یُسَبِّحْنَ بِالْعَشِیِّ وَالْاِشْراقِ» (ص ـ ۱۸)
ما کوه‌ها را برای داوود رام کرده و آن‌ها شبان‌گاه و صبح‌گاه، خـدا را تسبیح می‌گویند.
. «ثُمَّ اسْتَوی اِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلاْرْضِ ائْتِیـا طَـوْعـا اَوْ کَرْها قالَتـا اَتَیْنا طائِعینَ»
(۱۱ ـ فصلت)
تسبیح طبیعت (۲۹)
«سپـس اراده آفـرینش آسـمـان فرمود ، در حـالـی کـه بـه صـورت دود بـود ، به آن و به زمین دستور داد به‌وجود آیـد و شکل‌گیرید ، خـواه از روی اطـاعت و خـواه اکـراه، آن‌هـا گفتنـد : مـا از روی طـاعـت می‌آییم» .
. «وَ قالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَیْنا قالُوا اَنْطَقَنَا اللّهُ الَّذی اَنْطَقَ کُلَّ شَیْءٍ...» (۲۱ ـ فصلت)
«به پوست‌های خود می‌گویند: چـرا بر ضرر ما گواهی دادیـد؟ می‌گـویند: خـدایی که همـه را نـاطـق کرده است،
(۳۰) تسبیح طبیعت
مـا را بـه سخـن گفتـن واداشـت».
. «...وَ الْمَـلائِکَـةُ یُسَبِّحُـونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِـرُونَ لِمَـنْ فِـی الاْرْضِ...» (۵ ـ شـوری)
«فرشتگان با حمدِ پروردگار خویش، او را تسبیح می‌گویند و دربـاره افـرادی که در زمیـن هستنـد، طلب آمرزش می‌کنند».
. «وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَـرُ یَسْجُـدانِ» (۶ ـ رحمن)
«بوته‌ها و درختان او را سجده می‌کنند».
. «سَبَّحَ لِلّهِ ما فِـی السَّمـواتِ وَ الاْرْضِ وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ» (۱ ـ حدید)
تسبیح طبیعت (۳۱)
«آن چـه در آسمـان‌ها و زمیـن است، خـدا را تنزیه می‌کند و او عـزیـز و حکیـم اسـت».
. «لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعا مُتَصَدِّعا مِنْ خَشْیَةِ اللّهِ وَ تِلْکَ الاْمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُـمْ یَتَفَکَّرُونَ» (۲۱ ـ حشر)
«اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، آن را از ترس خدا فروتن و شکافته شده می‌دیدی، این توصیف را برای مردم
(۳۲) تسبیح طبیعت
می‌آوریم تا بیندیشند».
. «یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ اَخْبارَها» (۴ ـ زلزال)
«در آن روز زمیـن اخبـار خـود را بازگو می‌کند».
. «بِـاَنَّ رَبَّکَ اَوْحـی لَهـا» (۵ ـ زلزال)
«زیـرا پـروردگـار او بـه او وحـی کرده است».
تسبیح طبیعت (۳۳)

تسبیح گویی تمام ذرات جهان

یکی از حقـایق و معـارف بلنـد قرآن ایـن اسـت که سراسر ذرات جهـان خـدا را سجده می‌کننـد و به حمـد و تسبیـح و تقـدیس او مشغولند. و این حقیقت جز از قرآن، از هیچ مکتبی به این گستـردگی شنیـده نشده است.
به عبارت روشن‌تر همه ذرات وجود، از دل اتم‌ها گرفته تا درون کهکشان‌ها و سحابی‌ها این سه وظیفه بزرگ را انجام می‌دهند:
(۳۴) تسبیح طبیعت

. همه موجودات جهان خـدا را «سجـده» می کنند.

. سراسر جهان‌هستی خدا را «تسبیح‌وتنزیه» می کنند.

. تمام موجودات، خـدا را «تسبیح و تنزیه» می کنند.

تو گویی سراسر جهان خضوع و فروتنی، گوش و زبان، روح و احساس، درک و مسئولیت، نور و روشنایی و علم و دانش است.

سجده با حمد و تسبیح تفاوت روشنی دارد که نیاز به بیـان نـدارد، زیرا سجده، خضوع و ابراز کوچکی است

تسبیح طبیعت (۳۵)

درحالی که حمد و تسبیح، بیان کمال و جمال خدا و پیراستن او از نقـص و عیب است.

تفاوت حمد و تسبیح

تفاوت حمد و تسبیح

هرگـاه خـدا را از این نظر سـتایش کنیم که او دارای صـفات کمـال و جمال و مبـدأ کارهای نیک و سودمنـد است، در این صورت ستایش ما را «حمد» می گویند ولی اگر ذات او را از هر نوع عیب و نقص پیراسته بدانیم، آن را تسبیح می گویند. و

(۳۶) تسبیح طبیعت

به عبارت دیگر «حمد» خدا، توصیف او در برابر کمال (صفات ثبوتی و اعمال نیک) است، خواه این کمال جزو ذات او باشد مانند علم و قدرت، یا از افعال او به شمار رود مانند رازقیت. در حالی که تسبیح خدا، تنزیه او از عیوب و نقایص (صفات سلبـی) است.

اکنـون که تفـاوت ایـن دو روشـــن شـــد، لازم است دربـاره هر سه مطلب، که یکـی از ابتکـارات قرآن است، بـه گـونـه‌ای بحـث کنیم.

تسبیح طبیعت (۳۷)

۱. سجود و خضوع ذرات جهان در برابر خدا

سجود و خضوع ذرات جهان در برابر خدا

قرآن سـجده و خضوع موجودات جهان را به گونه‌های مختلفی مطرح کرده و در برخی از آیات، تنها از سـجود موجودات ذی‌شعور سخن به میان آورده است. آن جا که می‌فرماید:

. «وَ لِلّـهِ یَسْجُـدُ مَنْ فِی السَّمـواتِ وَ الْاَرْضِ

(۳۸) تسبیح طبیعت

طَـوْعـا وَ کَـرْهـا وَ ظِلالُهُـمْ بِالْغُـدُوِّ وَ الْاصـالِ» (۱)

«آن‌چه که در آسمان‌ها و زمین است و هم‌چنین سایه‌های آن‌ها صبح و شام از روی میل و اجبار، برای خدا سجده می کنند».

در این آیه، به گواهی لفظ «مَنْ» در جمله «وَلِلّهِ یَسْجُدُ مَنْ

۱ـ ۱۵ / رعـد. سـخن از سـجود موجودات عاقل و مدرک در این آیه، در آیه‌های دیگری نیز وارد شده است مانند آیه چهل و نه از سوره نحل به عنوان سجــده ملائکه و آیه هیجــده از سوره حج به عنوان «مَنْ فِی السَّمواتِ» و... .

تسبیح طبیعت (۳۹)

فِی‌السَّمواتِ»تنها خضوع موجودات ذی‌عقل مطرح است.

مقصود از سجده در این آیه که از سجده تمام موجودات عاقل سخن می گوید. سجده اختیاری نیست، زیرا شکی نیست که بسیاری از موجودات عاقل (مانند انسان‌های کافر) تارک سجده اختیاری می‌باشند و از عبادت خدا، سر باز می‌زنند، و با توجه به این مطلب باید گفت: مقصود سجده تکوینی است و این که تمام آن‌ها از قوانین خلقت و سنن آفرینش پیروی می کنند و نسبت به آن‌ها مطیع و فرمانبر می‌باشند.

(۴۰) تسبیح طبیعت

در این جا ممکن است سؤالی مطرح شود و آن این است که: اگر مقصود، سجده تکوینی است و این که بندگان نسبت به فرمان خلقت «کُنْ» خاضع و مطیعند در این صورت تقسیم این نوع از سجده، به سجده، «طَوْعی» و سجده «کَرْهی» چه معنایی می‌تواند داشته باشد. البته این سؤالی است که در اثنای بحث به آن پاسخ خواهیم گفت و یادآور خواهیم شد که پذیرش فرمان خلقت، گاهی با مزاج و طبیعت موجود مادی

تسبیح طبیعت (۴۱)

مطابق است و گاهی برخلاف آن است، مثلاً شکوفایی و تکامل درخت مطابق طبیعت و خشکیدن و نابودی آن به وسیله سرما بر خلاف طبیعت آن است از این جهت پذیرش فرمان نخست را سجده «طَوْعی» و دومی را سجده «کَرْهی» می گویند.

در برخی از آیات، دایره «سجده» گسترده‌تر شده، از سجود تمام جنبندگان سخن به میان آمده است. آن جا که می‌فرماید:

(۴۲) تسبیح طبیعت

. «وَ لِلّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِکَةُ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ».(۱)

«برای خدا آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، از جنبندگان و فرشتگان سجده‌می کنند و هرگز کبر نمی‌ورزند».

بار سوم سجده گیاهان و درختان را متذکر می گردد و می‌فرماید:

۱- ۴۹ / نحل .

تسبیح طبیعت (۴۳)

. «وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ یَسْجُدانِ»(۱)

«بوته‌ها و درختان او را سجده می کنند».

بار چهارم با دید وسیعی از سجود و خضوع سایه‌های اجسام سخن گفته و می‌فرماید:

. «اَوَ لَمْ یَرَوْا اِلی ما خَلَقَ اللّهُ مِنْ شَیْءٍ یَتَفَیَّؤُا ظِلالُهُ عَنِ الْیَمینِ وَ الشَّمائِلِ سُجَّدا لِلّهِ وَ هُمْ داخِرُونَ»(۲)

۱- ۶ / رحمن .

۲- ۴۸ / نحل .

(۴۴) تسبیح طبیعت

«مگر نمی‌نگرند به اجسامی که خدا آفریده است که سایه‌های آن‌ها از راست و چپ (صبح و عصر) حرکت می کنند و خدا را سجده می‌نمایند، در حالی که خود اجسام در حال خضوع و اطاعت هستند».

برای بار پنجم خداوند از سجده آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و چهارپایان سخن گفته است. آن جا که می‌فرماید:

. «اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَ مَنْ

تسبیح طبیعت (۴۵)

فِی‌الْاَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبالُ وَالشَّجَرُ وَ الدَّوابُّ وَ کَثیرٌ مِنَ النّاسِ...»(۱)

«مگر نمی‌بینی آن چه در آسمان‌ها و زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و چهارپایان و بسیاری از مردم خدا را سجده می کنند...».

بنابراین، مسئله سجده موجودات یک مسئله عمومی است که سراسر جهان هستی را فرامی گیرد و اختصاص به موجودی ندارد.

آن چه مهم است فهمیدن حقیقت «سجده» است و این که چگونه هر موجودی از ذی‌شعور و غیره در برابر عظمت حق ابراز کوچکی می‌نماید.

۱- ۱۸ / حج .

(۴۶) تسبیح طبیعت

تسبیح طبیعت (۴۷)

غرض از سجود موجودات

سجده انسان معمولاً ـ با گذاردن اعضایی از آن جمله پیشانی و احیانا چانه (۱)، بر زمین انجام می گیرد. این هیئت ظاهری سجده است، ولی روح آن همان ابراز تذلل و فروتنی

۱- قرآن به این عضو در این آیه اشاره می کند: «اِنَّ الَّذینَ اُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ اِذا یُتْلی عَلَیْهِمْ یَخِرُّونَ لِلْاَذْقانِ سُجَّدا»(۱۰۷ / اسراء)، افراد دانشمند از پیشینیان هر موقع (آیات خدا) بر آنان خوانده شود به روی زمین می‌افتند در حالی که چانه‌های خود را بر زمین می گذارند.

(۴۸) تسبیح طبیعت

در برابر معبود می‌باشد.

در این جا این مسئله مطرح می گردد که آیا در تحقق «سجده»، که هدف از آن، کمال خضوع است، لازم است هیئت خاصی وجود داشته باشد و بدون تحقق آن نمی‌توان این لفظ را به کار برد یا این که ملاک آن، ابراز خضوع و فروتنی است و در هر کجا این امر محقق گردد، می‌توانیم لفظ سجده را به کار ببریم هر چند همان هیئت خاص وجود نداشته باشد و اگر هم به آن هیئت خاص، سجده می گوییم از این نظر است که یک چنین هیئت در نظر مردم حاکی از غایت تواضع و خضوع است و در حقیقت طریقی برای اظهار فروتنی است.

تسبیح طبیعت (۴۹)

قرآن در این مسئله راه دوم را انتخاب می کند و هر نوع اظهار کوچکی را که به صورت تحقق پذیرد، سجده می‌نامد. روش عرف و عقل نیز در نام‌گذاری و به کار بردن الفاظ همین است ؛ مثلاً روزی لفظ چراغ در چراغ‌های محقری به کار می‌رفت که برای خود شکل و وضع خاصی داشت و از

(۵۰) تسبیح طبیعت

هیچ‌نظر قابل مقایسه با چراغ‌های پرفروغ امروز نبود، ولی چون خاصیت و اثر همان چراغ‌های دیرینه در چراغ‌های امروز به صورت کامل‌تری وجود دارد، از این نظر لفظ مزبور بدون هیچ‌گونه تغییری به نورافکن‌های نیرومند نیز اطلاق می‌شود.

تسبیح طبیعت (۵۱)

حقیقت سجده در موجودات جهان

همه موجودات جهان، به نحو خاصی مراتب تذلل خود را نسبت به مقام ربوبی ابراز می‌نمایند و عالی‌ترین مظهر برای اظهار کوچکی و تعظیم معبود جهان، این است که همه جهان در قبضه قدرت وی بوده و همگی مطیع فرمان و اراده مطلقه او می‌باشند؛ به عبارت دیگر اراده واحدی بر جهان حکومت می‌کند و همه موجودات از آن پیروی کرده و در برابر آن هیچ‌گونه مقاومتی ابراز نمی‌نمایند.

(۵۲) تسبیح طبیعت

بنابراین در سجده به این معنا (اطاعت بی‌چون و چرای موجودات از اراده نافذ خداوند) کراهتی تصور نخواهد شد، زیرا اکراه در موردی به کار می‌رود که موجودی از خود، دارای اراده و اختیار باشد تا در مقابل دیگری ابراز مقاومت کند، در صورتی که هیچ موجودی بدون استمداد از قدرت خدا دارای وجود نیست تا چه رسد که از خود اراده مخالفی داشته باشد و سجده در برابر عظمت خدا را مکروه بشمارد.

تسبیح طبیعت (۵۳)

سجده با میل و سجده با کراهت

مع‌الوصف مشاهده می‌شود که جمله «طَوْعا و کَرْها» برای انسان و هر موجود ذی‌عقل، دو نوع سجده را ثابت می‌کند ؛ سجده‌ای از روی میل و سجده‌ای از روی کراهت.

در این صورت ناچاریم برای این نوع سجده، تفسیری برگزینیم و بگوییم: منظور از سجده بارغبت، پذیرشی است که با طبع انسان و یا هر موجود دیگر موافق باشد ؛ مانند رشد و نمو و گردش خون و ضربان قلب برای انسان و مقصود از

(۵۴) تسبیح طبیعت

سجده کراهتی، پذیرش یک سلسله رویدادهایی است که با طبع موجود سازگار نباشد ؛ مانند مرگ‌ها و بلاهایی که انسان را پیش از وصول به پایان عمر، محکوم به نیستی می‌سازد.

در قرآن مجید در آیه دیگری نیز لفظهای «طَوْعا و کَرْها» درباره آسمان‌ها و زمین به کار رفته است و طبعا مقصود همان است که گفته شد. چنان که می‌فرماید:

«...فَقالَ لَها وَ لِلاْرْضِ ائْتِیا طَوْعا اَوْ کَرْها قالَتا اَتَیْنا طائِعینَ»(۱)

تسبیح طبیعت (۵۵)

«به آسمان و زمین خطاب کرد (بیایید) و فرمان مرا در پذیرش هر نوع تغییرات از روی اراده یا کراهت بپذیرید. گفتند: به رغبت پذیرفتیم».

بنابراین هم پذیرش وجود و هم قبول هر نوع تصرف، خواه موافق طبیعت موجود باشد یا مخالف آن، خضوع و اظهار کوچکی در برابر خدا است. چیزی که هست این است که به یک معنا همه این پذیرش‌ها از روی میل و رغبت است و به یک معنا، آن قسم از حوادث که بر خلاف مسیر طبیعی موجود باشد، نوعی کراهت در آن وجود دارد.

۱- ۱۱ / فصلت .

(۵۶) تسبیح طبیعت

نه تنها وجود هر موجودی در قبضه قدرت او است، بلکه سایه‌های اجسام در گردش و تحولات خود، تابع اراده و خواست او هستند و هنگام صبح و عصر در دو طرف جسم سایه‌های چشم‌گیری دیده می‌شود که همگی در پرتو اراده نافذ او می‌باشند.

تسبیح طبیعت (۵۷)

آیا شایسته است که همه اجسام جهان با سایه‌های خود، در برابر خدا ابراز کوچکی کنند، اما انسان از سجده تشریعی در برابر خدا امتناع ورزد هرچند پیوسته از نظر تکوین خاضع و خاشع است، به خصوص این که خداوند انواع موجودات زمین و آسمان را در برابر انسان خاضع ساخته

(۵۸) تسبیح طبیعت

است.(۱) آیا سزاوار است که او در برابر پروردگارش خضوع نکند؟

همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اکنون که با معنای سجده در موجودات آشنا شدیم و روشن شد که مقصود از سجده موجودات، همان سجده تکوینی آن‌ها است، لازم است درباره حمد و تسبیح موجودات جهان، به گونه گسترده، سخن گوییم.

۱- ر.ک: به آیات مربوط به تسخیر آسمان‌ها، و زمین برای انسان .

تسبیح طبیعت (۵۹)

۲. تسبیح سراسری موجودات جهان

تسبیح سراسری موجودات جهان

در گذشته یاد آور شدیم که حمد و ثنا، ستایش خدا در برابر صفات کمالی و ثبوتی او است، هم چنان که تسبیح او، پیراسته ساختن او از معایب است. و توصیف خدا با هر صفات سلبی و تنزیه وی می‌باشد.

(۶۰) تسبیح طبیعت

چون در برخی از آیات مورد بحث، هر دو موضوع با هم وارد شده است، از این نظر، آن دو را یک جا بحث می‌نماییم. در تقسیم‌بندی آیات از هر قسمی به ذکر یک آیه اکتفا می‌کنیم.

. گاهی قرآن تسبیح موجودات را در دایره وسیعی بیان کرده و آن را یک امر عمومی، که همه موجودات را در برمی گیرد، مطرح می کند و می‌فرماید:

«سَبَّحَ لِلّهِ ما فِی السَّمواتِ وَ الاْرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ».(۱)

تسبیح طبیعت (۶۱)

«آن چه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را تنزیه می کند و او عزیز و حکیم است».

لفظ «ما» برخلاف تصور برخی در عاقل و غیرعاقل به کار می‌رود و منظور از آن در این جا، تمام موجوداتی است که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند.

۱- ۱ / حدید .

(۶۲) تسبیح طبیعت

به همین مضمون است آیه‌های ۱ و ۲۴ سوره حشر، ۱ سوره‌صف، ۱ سوره‌جمعه، ۱ سوره تغابن و صریح‌ترین آیه در این مورد، آیه ۴۴ سوره اسراء است. چنان که می‌فرماید:

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمواتُ السَّبْعُ وَ الاْرْضُ وَ مَنْ فیهِنَّ وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلاّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِه وَلکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ اِنَّهُ کانَ حَلیما غَفُورا»

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر موجود عاقلی که در آن‌ها است، خدا را تنزیه می کند و آن چه در جهان هستی به

تسبیح طبیعت (۶۳)

عنوان «شَیْء» شناخته شده است، خدا را با ستایش تنزیه می کند، ولی شما از تسبیح آن‌ها آگاه نیستید و درک نمی کنید».

نکته قابل توجه که بعدا سند گفتار ما خواهد بود این است که می گوید: ما از تسبیح آن‌ها آگاه نیستیم و درک نمی کنیم.

. گاهی از تسبیح فرشتگان به صراحت و گاهی به کنایه سخن می گوید. آن جا که می‌فرماید:

«...وَ الْمَلائِکَةُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الاْرْضِ...»(۱)

(۶۴) تسبیح طبیعت

«فرشتگان با حمدِ پروردگار خویش، او را تسبیح می گویند و درباره افرادی که در زمین هستند، طلب آمرزش می کنند».

تسبیح فرشتگان در آیات دیگری نیز وارد شده است ؛ به آیه‌های ۲۰۶ سوره اَعْراف، ۱۳ رَعْد، ۲۰ اَنْبیاء، ۷ غافِر،

۱– ۵ / شوری .

تسبیح طبیعت (۶۵)

۳۸ فُصِّلَت و ۵ زُمَر مراجعه شود.

. گاهی پس از یک بیان عمومی، تسبیح مرغان هوا را متذکر شده و چنین می‌فرماید:

«اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ یُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَ الاْرْضِ وَالطَّیْرُ صافّاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ...» (۱)

«آیا ندیدی آن چه که در آسمان‌ها و زمین است، خدا را

۱– ۴۱ / نور .

(۶۶) تسبیح طبیعت

تسبیح می گویند و مرغان گشاده بال نیز تسبیح می گویند و هر کدام به دعا و تنزیه خود آشنا است».

دقت بفرمایید که در این آیه به آن گروه که خدا را تسبیح می کنند نسبت «علم» می‌دهد و آن‌ها را به تسبیح خود آگاه معرفی می کند و به اصطلاح می‌فرماید: «قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ» ؛ «هرکدام به دعا و تسبیح خود آشنا است».

تسبیح پرندگان در آیات دیگری نیز وارد شده است ؛ مانند؛ آیه ۱۰ سوره سبأ و ۱۹ سوره ص.

تسبیح طبیعت (۶۷)

. در برخی از آیات تصریح شده که کوه‌ها در اوقات خاصی خدا را تسبیح می گویند. آن جا که می‌فرماید:

«اِنّاسَخَّرْنَاالْجِبالَ مَعَهُ یُسَبِّحْنَ بِالْعَشِیِ وَالاْشْراقِ»(۱)

«ما کوه‌ها را برای داوود رام کرده و آن‌ها شبان‌گاه و صبح‌گاه، خدا را تسبیح می گویند».

تسبیح کوه‌ها در آیات دیگری نیز وارد شده است ؛ مانند:

۱– ۱۸ / ص .

(۶۸) تسبیح طبیعت

آیه ۷۹ سوره انبیاء و ۹ سوره سبأ.

. برای بار پنجم، تسبیح رعد را متذکر می گردد و می‌فرماید: «وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ».

اکنون باید دید منظور از تسبیح چیست ؟

تسبیح در لغت، به معنای تنزیه از نقایص است. بنابراین در حقیقت تسبیح تنزیه از نقص و عیب نهفته است و هر تفسیری که برای «تسبیح» گفته شود ولی حاکی از تقدیس خداوند و تنزیه او از عیب و نقص نباشد، نمی‌توان آن را تفسیر صحیح برای تسبیح دانست.

تسبیح طبیعت (۶۹)

آرای مفسران در تسبیح موجودات

برخی از مفسران که نتوانستند به حقیقت تسبیح تمام موجودات پی برند، برای فرار از اشکالی که در تسبیح همه موجودات در بدو نظر موجود است گفته‌اند: مراد از «ما» در «ما فِی السَّمواتِ» موجودات عاقل است که دارنده شعورند مانند انسان و فرشته که خداوند را با کمال ادراک و شعور تقدیس می‌نمایند. (۱)

(۷۰) تسبیح طبیعت

در حالی که بسیاری از مفسران، این نظریه را نپذیرفته‌اند و گفته‌اند:

مقصود از «ما» اعم از عاقل و غیرعاقل، مُدْرِك و غیرمُدْرِك است و ظاهر آیه با نظر آن‌ها وفق می‌دهد، زیرا لفظ

۱- این پاسخ بر فرض صحت در برخی از آیات می‌تواند صحیح باشد مانند آیاتی که در آن جا لفظ «ما» وارد شده است ولی در آیاتی که صریحا، از تسبیح مرغ و کوه و رعد سخن می گویند صحیح نیست.

تسبیح طبیعت (۷۱)

«ما» معمولاً در مطلق موجودات به کار می‌رود، عکس «مَن» که بیشتر در صاحبان عقل و شعور استعمال می‌شود.

این دسته برای تسبیح، معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند، ولی اکثر آن‌ها با این که صحیح و پا برجا است، ارتباطی به معنای تسبیح ندارد. اکنون به پاره‌ای از نظرات دیگر اشاره می‌نماییم:

(۷۲) تسبیح طبیعت

نظریه نخست

مقصود از تسبیح همان خضوع تکوینی هر موجودی در برابر فرمان و اراده الهی است و سراسر هستی در برابر اراده و مشیت خداوند، خاضع بوده و در پذیرش وجود و پیروی از قوانینی که خداوند برای آن‌ها تعیین نموده است، مطیع و تسلیم می‌باشند.

بنابر این نظریه، به آیاتی که درباره تسلیم بودن تمام موجودات جهان در برابر اراده نافذ حق وارد شده است،

تسبیح طبیعت (۷۳)

استدلال می‌شود ؛ مانند :

«ثُمَّ اسْتَوی اِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلاَرْضِ ائْتِیا طَوْعا اَوْ کَرْها قالَتا اَتَیْنا طائِعینَ»(۱)

«سپس اراده آفرینش آسمان فرمود ، در حالی که به صورت دود بود ، به آن و به زمین دستور داد به‌وجود آیید و شکل گیرید ، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه، آن‌ها گفتند :

۱- ۱۱ / فُصِّلَت .

(۷۴) تسبیح طبیعت

ما از روی طاعت می‌آییم» .

بنابراین، آیاتی که در آن‌ها به تمام آن‌چه در زمین و آسمان است نسبت سجود و خضوع داده شده است، می‌تواند مؤید نظر یاد شده باشد. (۱)

ولی ما تصور می کنیم که این نظر صائب نیست، زیرا مسئله خضوع و سجود و تسلیم شدن سراسر جهان هستی

۱- مجموع این آیات در بخش سجود مطرح گردید و مورد بررسی قرار گرفت .

تسبیح طبیعت (۷۵)

در برابر اراده خداوند ارتباطی به مسئله تنزیه و تقدیس حق از نقص و عیب ندارد و نباید این دو مطلب را به هم آمیخت. اگر چه هر کدام از این‌ها در جای خود درست و استوار است.

نظـریه دوم

بسیاری از مفسران، تسبیح موجودات جهان را چنین تفسیر می کنند:

نظم و نظام شگفت‌انگیز هر موجودی با رمز و اتقانی که

(۷۶) تسبیح طبیعت

در ساختمـان آن به کـار رفته است، گواه بر قـدرتِ بی‌نهـایتِ دانش و آگـاهی و حکمت بی‌پایـان سازنـده او است. سازمان دقیق و اسرار پیچیده هر موجودی همان‌طور که به وجود صانع خود گواهی می‌دهد، هم‌چنین به لسان تکوینی گواهی می‌دهد که خالق آن دانا و توانا است و از هر نوعِ عجز و جهل مبرا و منزه است ؛ مثلاً برای تنزیه حق از شرک چنین گواهی می‌دهد: نظام واحدی که هم بر یک «اتم» و هم بر منظومه شمسـی ما حکومت می کنـد، گواهی می‌دهـد که همه سازمان هستی زیر نظر یک آفریـدگار به وجود آمـده است و هیـچ‌کس جز او در پدیـد آوردن هستی دخـالت نداشـته و اثر و نظـام یگـانه، حـاکی از وحـدت مؤثر و نبودن هر نوع شریک برای او است. از این جهت وحدت نظام، خدا را از شرک، تنزیه و تقدیس می کند.

تسبیح طبیعت (۷۷)

خلاـصه همـان‌طور که حکومتِ نظم و قـانونِ واحـدِ بر مجموع جهان آفرینش، گواهی می‌دهـد که ناظم یگانه‌ای بر جهان حکومت می کند، هم‌چنین اسرار دقیق و اندازه گیری شده موجودات، حاکی است که آفریدگار آن‌ها دانا و توانا است.

(۷۸) تسبیح طبیعت

این نظریه که مورد اعتماد بسیاری از مفسران است، از جهاتی قابل دقت و ملاحظه است:

. اگر مقصودخدااز تسبیـح تمـام موجـودات جهـان، ایـن باشـد کـه در ایـن نظر آمـده است این حقیقـتی است که همه آن را درک می کنند و می‌فهمند، دیگر جا ندارد که قرآن بفرماید:

تسبیح طبیعت (۷۹)

«وَ لکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ» (۱) «شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید». زیرا این نوع تنزیه را هر فردی به فراخور حال خود درک کرده و می‌فهمد.

بـرخـی بـرای اصـلاح این نظریه، ناچـار شدنـد که جمله «لاـ تَفْقَهُونَ» را به معنای عـدم توجه بگیرنـد و بگوینـد که اکثر مردم به این مطلب توجه ندارنـد و یا این که بگوینـد: عظمت دلالت موجودات بر تنزیه خـدا، به قـدری عظیم است که انسان به اندازه واقعی آن واقف نمی گردد. ولی ناگفته پیداست که توجیه مزبور برای جمله فوق، خلاف ظاهر آن است و اگر منظور خدا این بود، مناسب بود بفرماید: «وَ أَنْتُم عَنْهُ غافِلون» یا جمله‌ای مانند آن.

۱– ۴۴ / اسراء .

(۸۰) تسبیح طبیعت

. اگر تسبیـح‌موجودات جهان به‌این‌معنااست که‌از تدبر در ساختمان وجودی اشـیاء، این نوع تنزیه تکوینی را درک می کنیم چرا قرآن می‌فرماید: «آسمان‌ها و زمین و مرغان به

تسبیح طبیعت (۸۱)

دعا و تنزیه خود آشـنا هسـتند» (۱) و به عبـارت دیگر چطور آشـکارا به آن‌هـا نسـبت علم داده و می گویـد: «کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ

تَسْبیحَهُ» ؛ «هر کـدام به راز و نیاز خود آشـنا هسـتند». در صورتی که روی این نظر هیچ‌کـدام از آن‌ها از تسبیح و تنزیه خود اطلاعی ندارنـد، بلکه فقـط مـا هستیم که از روی دقت و امعـان نظر لسـان تکوینی و زبـان حمـد و ثنای آن‌ها را درک می‌کنیم و گرنه خود آن‌ها کوچک‌ترین توجهی به کار خود ندارند.

۱- ۴۱ / نور.

(۸۲) تسبیح طبیعت

. اگرمنظوراز تسبیح‌کائنات این‌است‌که بیشتر مفسـران انتخاب کرده‌اند، این نوع تسبیح وقت معین ندارد، بلکه حقیقتی است که بشـر هر موقع در سازمـان هر موجـودی دقت کنـد، آن را درک می‌نمایـد در صـورتی که قرآن تسبیـح کوه‌هـا را مقیـد به شـبـان‌گـاه و صبح‌گاه فرموده، چنان که در سوره ص آیه ۱۸ بـه آن تصـریـح می‌کند و می‌فرمـایـد: «یُسَبِّحْنَ بِـالْعَشِـیِّ وَ الْإِشْـــراقِ».(۱)

تسبیح طبیعت (۸۳)

روی این ملاحظات با این که تسبیح تکوینی و این که هر موجودی با زبان تکوینی خود، خالق خود را از هر نوع عیب و نقص تنزیه می‌نماید مطلبی است صحیح ولی نمی‌توان آیات مربوط به تسبیح گفتن کاینات را ناظر به این نوع از تسبیح دانست.

۱- مگر این که صبح و عصر کنایه از مجموع شبانه روز باشد. در این صورت وقت تسبیح آن‌ها مطلق و نامحدود خواهد بود.

(۸۴) تسبیح طبیعت

نظـریه سوم

این نظریه مربوط به فیلسوف گرامی اسـلام مرحوم صـدرالمتألهین است که در مسائـل مربوط به الهیات و امور مابعـدطبیعت، نظرات بس شامـخ و بلندی دارد و از محققین و مؤسسـین بزرگ اصول فلسـفه اسـلامی است که چشم روزگار مردی به این وسـعت ذهن و بینش بلند و درک عمیق و ژرف کـم‌تـر دیــده است.

تسبیح طبیعت (۸۵)

این مردبزرگ در سال ۹۷۹ در شیراز به دنیاآمد و در سال ۱۰۵۰ در راه زیارت خانه خدا در بصـره از دنیارفت . مرحوم سید حسین بروجردی در کتاب تحفهٔ المقال درباره ایشان می‌گوید:

ثُمَّ ابْنُ اِبْراهیمَ صَدْرُ الاَجَلِّ فی سَفَرِ الْحَجِّ مَریضا اِرْتَحَلَ قُدْوَةُ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الصَّفاءِ یَرْوی عَنِ الدّاماد وَ الْبَهائی

(۸۶) تسبیح طبیعت

سپس پسرابراهیم که صدر علمای بزرگ بود در سفر حج در حالت مریضی از دنیا رفت

او پیشوای اهل علم و صفا بود از میر داماد و شیخ بهائی روایت می‌کرد

و کلمه مریضا، به حساب ابجد ۱۰۵۰ ه.ق و تاریخ وفات او است.

تسبیح طبیعت (۸۷)

وی می‌گوید: تمام موجودات جهان از روی علم و درک به حمد و تسبیح خداوند بزرگ مشـغولند و هر موجودی، در هر پایه‌ای از وجود که هست و هر انـدازه که از هستی سـهمی دارد، به همــان انــدازه به آفـریـدگــار خود علم دارد و او را از این طـریـق ثنــا می‌گوید و از عیــوب تنـزیه می‌کند.

وی می‌گوید:

علم و ادراک، در تمام مراحل و مراتب وجود، از واجب‌الوجود گرفته تا برسـد به جهان نبات و جماد، تحقق دارد و هر موجودی در هر رتبه‌ای از وجود باشد، سهم و

(۸۸) تسبیح طبیعت

حظی از صفات عمومی مانند علم و شعور و حیات و... داشته و هیچ موجودی از آن خالی نیست. چیزی که هست گاهی بر اثر ضعیف بودن این صفات، وجود آنها برای ما مکشوف نیست. موجودات جهان، هر چه از ماده و آثار آن دوری گزینند و به صورت یک موجود مجرد درآیند و یا در مسیر تجرد قرار گیرند، این صفات در آنها قوی‌تر و واضح‌تر می‌شود و هر قدر از نظر وجود به ماده گرایش پیدا کنند، این صفات در آنها به همان اندازه کاهش یافته تا آن جا که به نظر می‌رسند فاقد علم و ادراک هستند ؛ ولی در حقیقت چنین نیست، بلکه اصل این صفات را به طور ضعیف دارا هستند، هر چند برای ما انعکاس ندارد.

تسبیح طبیعت (۸۹)

وی این مطلب را از طریق برهان فلسفی و مکاشفات نفسانی ثابت می‌نماید.

او گامی فراتر نهاده و می‌گوید: گفته قرآن که شما از تسبیح و تحمید موجودات آگاهی ندارید مربوط به نوع مردم است، زیرا اکثر مردم حقیقت تسبیح آنها را درک نمی‌کنند، ولی مانعی ندارد که برخی از روشن‌دلان، کسانی که روح آنان با حقایق موجودات ارتباطی پیدا کرده است، با گوش دل، تنزیه آنها را بشنوند و از تسبیح کاینات در برابر فرمان خدا آگاه باشند.

قلبی که از وسوسه‌ها و علایق مادی خالی گردد و مرکز فرود انوار حق و برکات معنوی باشد، از طریق مکاشفه وجدانی همه این حقایق را دیده و درک می‌کند.

(۹۰) تسبیح طبیعت

مولوی با بینش خاص خود این حقیقت را دریافته و می‌گوید:

تسبیح طبیعت (۹۱)

گر تو را از غیب چشمی باز شد جمله ذرات جهان هم راز شد

نطق آب و نطق خاک و نطق گِل هست محسوس حواس اهل دل

(۹۲) تسبیح طبیعت

فلسفی کو منکر «حنانه» است از حواس انبیا بیگانه است

جمله ذرات عالم در نهان با تو می‌گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم با شما نامحرمان ما خامشیم(۱)

۱- مثنوی، ج ۱، ص ۸۶.

تسبیح طبیعت (۹۳)

چون شما سوی جمادی می‌روید محرم جان جمادات کی شوید

فاش تسبیح جمادات آیدت وسوسه تأویل‌ها بربایدت

چون ندارد جان تو قندیل‌ها بهر بینش کرده‌ای تأویل‌ها (۱)

۱- همان مدرک، ج ۳، ص ۲۲۷.

(۹۴) تسبیح طبیعت

اکنون که سخن به این جا منتهی گردید، لازم است این حقیقت قرآنی را از تدبر در آیاتی که پیرامون علم و شعور تمام موجودات وارد شده است به دست آوریم، زیرا اگر قرآن همه موجودات جهان را تسبیح‌گو و ثناخوان معرفی می‌کند، از طرف دیگر تمام ذرات جهان را، شاعر، آگاه، گوش و هوش قلمداد می‌نماید. هرگاه آیات این دو بخش را کنار هم قرار دهیم، قطعا نظریه صدرالمتألهین به روشن‌ترین وجه ثابت خواهد شد. اینک آیاتی را که بر شعور و درک جهان گواهی می‌دهد از نظر

می گذرانیم.

تسبیح طبیعت (۹۵)

وجود شعور در تمام موجودات جهان

ایـن نظـریه را می‌تـوان از دو راه ثابت کرد:

. آیـاتی که بر وجـود شعـور در تمام موجودات جهان اعم از جان‌دار و غیره گـواهـی می‌دهند.

. دلایل عقلی که وجود شعور را در تمام ذرات جهان ثابت می کند.

(۹۶) تسبیح طبیعت

اینـــک راه نخســت:

قرآن، به روشـنی گواهی می‌دهد که مورچگان از شـعور خاصی برخوردارند، زیرا هنگامی که سلیمان با سپاهیان خود از بیانی عبور می کرد، مورچه‌ای به مورچگان بیابان، که بیم آن می‌رفت همگی زیرا پای سلیمان و سپاهیان او از بین بروند، ندا در داد تو گفت:

«...یا اَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمنُ

تسبیح طبیعت (۹۷)

وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ»(۱)

«مورچگان! به لانه‌های خود پناه ببرید تا سلیمان و سپاهیان او شماها را نابود نکنند، در حالی که آنان متوجه نیستنـــد».

ندای مورچه، یک ندای حقیقی بود و هرگز نمی‌توان آن را به معنای مجازی و زبان حال حمل کرد، به گواه این که طبق

۱- ۱۸ / نمل .

(۹۸) تسبیح طبیعت

نقل قرآن، سـلیمان از شـنیدن سـخن او تبسـمی کرد و از خداونـد خواست به او توفیق دهد در برابر نعمت‌هایی که بر او و والدین او ارزانی داشته است، سپاس گزار گردد. چنان که می‌فرماید:

. «فَتَبَسَّمَ ضاحِکا مِنْ قَوْلِها وَ قالَ رَبِّ اَوْزِعْنی اَنْ اَشْکُـرَ نِعْمَتَکَ الَّتی اَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلــی والِـدَیَّ...»(۱)

۱- ۱۹ / نَمْل .

تسبیح طبیعت (۹۹)

«سـلیمان، از شـنیدن ندای مورچه در شـگفت ماند و از خدا خواست که به او توفیق شـکرگزاری نعمتی را دهد که بر او و والدین او ارزانی داشته است».

قرآن، دربـاره پرنـده‌ای به نام هدهـد داسـتانی دارد که حاکی از شـعور خاص او است، به طوری که موحـد را از مشـرک تشـخیص می‌داد و سـلیمان او را برای انجـام مأموریت‌هـایی گسـیل می‌داشـت. روزی او را غـایب دیـد و گفت: اگر برای غیبت خـویش عـذر موجهی نداشته باشد، او را تنبیه خواهد

(۱۰۰) تسبیح طبیعت

داد و یا سـرش را خواهـد بریـد. چیزی نگـذشت که هدهد آمد و گفت: بر چیزی واقف شدم که تو بر آن واقف نشدی، و از دولت «سبا» خبر شـگفت‌آوری آورده‌ام، زنی بر آنان فرمان‌روایی می کند و از هر نوع نعمت برخوردار است و برای او تخت بزرگی است. من دیدم آنان به جای پرسـتش خدا، آفتاب را می‌پرسـتند. شـیطان کردارهای آنان را زیبا جلوه داده و از راه حق بازداشته و آنان را گمراه ساخته است.

چرا آنان خدایی را که بر هر امر پنهانی، وجود بخشیده

تسبیح طبیعت (۱۰۱)

است، سجده نمی‌کنند، در حالی که از کردارهای پنهان و آشکار آنان آگاه است ؛ خدایی که جز او خدایی نیست، صاحب عرش بزرگ است.

سلیمان گفت: بررسی می‌کنم ببینم که در این گزارش راست‌گو هستی یا نه، نامه مرا ببر و به آنان برسان و از آنان دور شو، و مراقب باش آنان در برابر نامه من چه واکنشی نشان می‌دهند. (۱)

(۱۰۲) تسبیح طبیعت

پرنده‌ای که تا این حد، کارهای دقیق و مرموزی را درک می‌کند و گزارش می‌دهد و فرمان می‌برد، به طور مسلم از یک شعور خاصی برخوردار است.

قرآن، یکی از مفاخر سلیمان را این می‌داند که او به زبان پرندگان آشنا بود و می‌گوید:

۱- ۱۶ و ۱۷ / نمل .

تسبیح طبیعت (۱۰۳)

. «وَ وَرِثَ سُلَيْمنُ داوُدَ وَ قالَ يا اَيُّهَا النّاسُ عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّيْرِ...»(۱)

«سلیمان وارث داوود شد و گفت: مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم شده است».

سلیمان، سپاهی از انسان و جن و پرندگان تشکیل داده بود و همگی تحت فرمان او بودند.

۱- ۱۶ / نمل .

(۱۰۴) تسبیح طبیعت

چنان که می‌فرماید:

. «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمنَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ الطَّيْرِ...»(۱)

سپاهیان سلیمان، از سه گروه جن و انسان و پرندگان حاضر شدند».

از مجموع این آیات استفاده می‌شود که پرندگان بالاخص

۱- ۱۷ / نمل .

تسبیح طبیعت (۱۰۵)

و تمام جانداران به طور اعم، از آگاهی خاصی برخوردارند و اگر انسان کاملی بر صفحه جهان حکومت کند، می‌تواند با آنان سخن بگوید و از آنها در تحکیم نظام توحیدی و شکستن مظاهر بت‌پرستی، استفاده کند.

اشاعه آگاهی در جمادات

آیات قرآن به گونه‌ای در این موضوع سخن گفته است و برای جمادات، افعالی را نسبت داده است که توأم با درک و آگاهی است.

(۱۰۶) تسبیح طبیعت

سقوط برخی از سنگ‌ها را، از نقطه‌ای، معلول «خَشْيَة» و «خداترسی» آن‌ها می‌داند. چنان که می‌فرماید:

. «وَ اِنَّ مِنْها لَما يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللّهِ» (۱)

«برخی از صخره‌ها، از ترس خدا، از نقطه‌ای می‌افتد».

در آیه‌ای یادآور می‌شود که «امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنان از تحمل بار امانت ابا ورزیدند و ترسیدند و انسان آن را به دوش گرفت...». چنان که می‌فرماید:

۱- ۷۴ / بقره .

تسبیح طبیعت (۱۰۷)

. «اِنّا عَرَضْنَا الاْمانَةَ عَلَی السَّمواتِ وَ الاْرْضِ وَ الْجِبالِ فَاَبَیْنَ اَنْ یَحْمِلْنَها وَ اَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الاِْنْسانُ اِنَّهُ کانَ ظَلُوما جَهُولاً»(۱) «ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و از آن ترسیدند، انسان آن را پذیرفت و هم بسیار ستمکار و نادان بود».

۱- ۷۲ / احزاب .

(۱۰۸) تسبیح طبیعت

برخی از مفسران، این آیه و امثال آن را بر معنای مجازی، که در اصطلاح به آن زبان حال می‌گویند، حمل کرده‌اند، در صورتی که چنین تفسیری نوعی پیش‌داوری است و هرگز جهت ندارد حقیقتی را که قرآن از آن گزارش می‌دهد، بر غیر ظاهر آن حمل کنیم و این که می‌گویند علم تاکنون بر چنین

شعور و آگاهی دست نیافته است، دلیل بر نبودن آن در این موجودات نیست، زیرا تنها وظیفه علم، اثبات است و بس و

تسبیح طبیعت (۱۰۹)

هیچ‌گاه علم، حق نفی و سلب چیزی را که از وجود و عدم آن آگاه نیست، ندارد.

. «لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعا مُتَصَدِّعا مِنْ خَشْیَةِ اللّهِ وَ تِلْکَ الاْمْثالُ(۱) نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ»(۲)

۱- لفظ «امثال» در این آیه و آیات مشابه آن، مانند «اُنْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الاْمْثالَ» (۴۸ / اسراء) به معنای توصیف و بیان است و هرگز مقصود «مثل» مصطلح نیست.

۲- ۲۱ / حشر.

(۱۱۰) تسبیح طبیعت

«اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، آن را از ترس خدا فروتن و شکافته شده می‌دیدی، این توصیف را برای مردم می‌آوریم تا بیندیشند».

ما اگر هر نوع پیش‌داوری را درباره آیات قرآن کنار بگذاریم، باید بگوییم که کوه، دارای چنین شایستگی است که اگر مورد خطاب خدا قرار گیرد، بر اثر آگاهی از عظمت خطاب، شکافته و پراکنده می‌گردد.

از برخی از آیات به طور اشاره وجود چنین آگاهی استفاده می‌شود. آن جا که می‌فرماید:

تسبیح طبیعت (۱۱۱)

. «...وَ اِنْ کانَ مَکْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبالُ»(۱)

«نزدیک است که از حیله آنان، کوه‌ها از جای خود کنده شوند».

. «تَکادُ السَّمواتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الاْرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبالُ هَدّا»(۲)

«نزدیک است که آسمان‌ها از هول آن فرو ریزد و زمین بشکافد و کوه‌ها درهم کوبیده شود».

۱- ۴۶ / ابراهیم.

۲- ۹۰ / مریم .

(۱۱۲) تسبیح طبیعت

اگر به راستی در کوه‌ها، شایستگی آگاهی از اوضاع خارج از خود نبود، چنین توصیفی از آن‌ها، دور از بلاغت بود. آن‌گاه ناچار خواهیم بود که برای آیه معنای مجازی از قبیل مبالغه و تمثیل فرض کنیم، همچنان که برخی از مفسران در این مورد مرتکب چنین کاری شده‌اند.

آیات مربوط به روز رستاخیز، پرده از روی چنین آگاهی بر می‌دارد، زیرا در چنین روزی دست‌ها و پاها و پوست‌ها بر جرایم انسان شهادت خواهند داد و به فرمان خدا، بشرِ مجرم را از خصوصیات زندگی او و کارهایی که انجام داده است، مطلع خواهند نمود.

تسبیح طبیعت (۱۱۳)

اینک آیات این قسمت:

. «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَيْديهِمْ وَ اَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُونَ»(۱)

«روزی فرا می‌رسد که زبان‌ها و دست‌ها و پاهای آنان بر ضرر آنان گواهی می‌دهد».

.«اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلى اَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا اَيْديهِمْ وَ

۱– ۲۴ / نور .

(۱۱۴) تسبیح طبیعت

تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ»(۱)

«روزی فرا می‌رسد که بر زبان آنان مهر می‌زنیم و دست‌های آنان را به سخن گفتن وادار می‌کنیم و پاهای آنان بر کردار بد آنان گواهی می‌دهد».

. «وَ قالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنا قالُوا اَنْطَقَنَا اللّهُ الَّذى اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...»(۲)

«به پوست‌های خود می‌گویند: چرا بر ضرر ما گواهی دادید؟ می‌گویند: خدایی که همه را ناطق کرده است، ما را به سخن گفتن واداشت».

۱– ۶۵ / یس .

۲– ۲۱ / فُصِّلَت .

تسبیح طبیعت (۱۱۵)

قرآن، به روشنی گواهی می‌دهد که روز رستاخیز، زمین، اخبار خود را بازگو می‌کند و از طرف خدا به آن وحی می‌رسد. چنان که می‌فرماید:

. «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ اَخْبارَها. «بِاَنَّ رَبَّكَ اَوْحيلَها» (۱)

«زیرا پروردگار او به او وحی کرده است. در آن روز زمین اخبار خود را بازگو می‌کند».

۱– ۴ و ۵ / زلزال .

(۱۱۶) تسبیح طبیعت

قرآن، به روشنی از اطاعت و سرسپردگی آسمان و زمین گزارش می‌دهد و می‌فرماید:

. «ثُمَّ اسْتَوى اِلَى السَّماءِ وَ هِىَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلاَرْضِ ائْتِيا طَوْعا اَوْ كَرْها قالَتا اَتَيْنا طائِعينَ»(۱)

«سپس اراده آفرینش آسمان فرمود ، در حالی که به صورت دود بود ، به آن و به زمین دستور داد به‌وجود آیید و

۱– ۱۱ / فصلت .

تسبیح طبیعت (۱۱۷)

شکـل گیـریـد ، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه، آن‌ها گفتند : ما از روی طاعت می‌آییم».

ایـن آیـات و نظـایر آن‌هـا در نظر گروهی که بخواهنـد بر قرآن شـاگردی کننـد و در فهم معـانی قرآن هر نـوع پیش‌داوری را کنـار بگذارند، به روشنی از وجود درک و شعور در سراسر جهـان، خبـر می‌دهد، حالا حقیقت این شعور و آگاهی چگونه است و در چه پـایـه است، برای ما روشن نیست.

در ادعیه اسلامی، به این مطلب اشاره‌هایی هست که از باب نمونه، دو مورد را نقل می‌کنیم:

(۱۱۸) تسبیح طبیعت

«تُسَبِّحُ لَکَ الدَّوابُّ فی مَراعیها وَ السِّباعُ فی فَلَواتِها وَ الطَّیْرُ فی وُکُورِها وَ تُسَبِّحُ لَـکَ الْبِحـارُ بِأَمْـواجِها وَ الْحیتانُ فی مِیاهِها»

چهار پایان در چراگاه‌ها، درنـدگان در بیابان‌ها، پرنـدگان در آشـیانه‌ها تو را تسبیـح می‌گویند، دریا با امواج متلاطم خـود، ماهیـان در میـان آن‌هـا، تو را تـنـزیـه می‌نمایند».

در صـحیفه سـجادیه چنین می‌خـوانیم: امـام سـجاد علیه‌السـلام مـوقـع رؤیـت هـلال، آن را بـا جملـه‌هـای زیـر مخـاطـب می‌ساخت.

تسبیح طبیعت (۱۱۹)

«أَیُّهَـا الْخَلْـقُ الْمُطیـعُ الدّائِبُ السَّریعُ الْمُتَرَدِّدُ فی مَنـازِلِ التَّقْدیر» (۱)

ای آفریده فرمان بردار تندرو که پیوسته در منازلی که بر تو اندازه‌گیری شده است، تردد می‌کنید».

بـا وجـود ایـن آیـات و روایـات کـه شـعـور و ادراک را در سراسـر موجـودات جهـان حـاکم می‌دانـد، بایـد در تفسیـر تسـبیح موجودات، نظریه مرحوم صـدر المتـألهیـن را

۱- صحیفــــه سجــــادیــــه، دعــــای ۴۳ .

(۱۲۰) تسبیح طبیعت

برگزیـده و گفت: این تسبیـح، تسبیح واقعی است و موجودات جهـان به زبـان ویـژه خود، خـدا را تسبیـح می‌گوینـد، نه بـا زبـان حـال، بـه گـونـه‌ای که در نظـریـه‌های پیشیـن وجود داشت.

تسبیح طبیعت (۱۲۱)

دلیل عقلی بر این نظر

این نظر را می‌توان با دلیل عقلی و اصول «حکمت متعالی» (۱) نیز ثابت نمود و خلاصه آن این است: وجود و هستی، در هر مرتبه‌ای با علم و شعور و درک و آگاهی ملازم است و هر چیزی که سهمی از وجود و هستی دارد به همان انـدازه از علم و شعور سـهمی خواهد داشت، و دلایل فلسفی این نظر را کاملاً تأیید می‌کند و پایه برهان فلسفی آن را دو چیز تشکیل می‌دهد.

۱- حکمت متعالی همان فلسفه صدرالمتألهین است که برای خود در فلسفه اسـلامی، مکتـب ویــژه‌ای دارد.

(۱۲۲) تسبیح طبیعت

. در جهان هستی، آن چه اصیل و سرچشمه آثار و کمالات است «وجود» است و هر نوع فیض معنوی و مادی از آن او است. اگر در جهان، علم و ادراکی، قدرت و نیرویی، زندگی و حیاتی هست، همگی در پرتو وجود و هستی اشیا است و اگر وجود از میان برود، همه این جنب و جوش‌ها، تـلاش‌هـا و حـرکـت‌هـا به خامـوشـی می‌گـرایـد.

. برای وجود، در تمام مراحل هستی، از واجب و

تسبیح طبیعت (۱۲۳)

ممکن، از مجرد و مادی، از عرض و جوهر، یک حقیقت بیش نیست و حقیقتِ وجود اگر چه برای ما روشن نیست، ولی ما به آن حقیقت با یک رشته مفاهیم ذهنی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم: وجود، چیزی است که عدم و نیستی را طرد می‌کند و به هر چیزی حقیقت و عینیت می‌بخشد.

بنابراین، هر کجا از وجود سراغی داشته باشیم، این دو صفت (طرد عدم تشکیل دهنده حقیقت خارجی عینی) را در آن جا می‌یابیم. از این جهت می‌گوییم: وجود، در تمام مراحل، یک حقیقت بیش ندارد و آن این که دو اثر یاد شده را که حقیقت آن‌ها نیز یکی است، دارا می‌باشد.

(۱۲۴) تسبیح طبیعت

روی این بیان که وجود را منبع تمام کمالات بدانیم و برای آن یک حقیقت بیش قائل نشویم، باید چنین نتیجه بگیریم: هرگاه وجود در مرتبه‌ای از مراتب هستی، مانند موجودات جاندار، دارای اثری (علم و ادراک) گردید، حتما باید این اثر در تمام این صورت یا باید وجود، سرچشمه کمالات نباشد یا این که برای وجود، حقایق متباین تصور کنیم و حقیقت آن را در مرتبه جان‌دار، با آن‌چه که در مراتب گیاه و معدن است، مغایر و مباین بدانیم، زیرا معنا ندارد که

تسبیح طبیعت (۱۲۵)

یک حقیقت در مرتبه‌ای دارای اثری باشد و در مرتبه دیگر فاقد آن باشد ؛ به عبارت دیگر هرگاه وجود دارای حقایق مختلف و متباین بود، جا داشت که در نقطه‌ای واجد اثری باشد و در نقطه دیگر نشانه‌ای از آن نباشد، ولی هرگاه برای آن یک حقیقت بیش نباشد و تفاوت مصادیق آن روی شدت و ضعف مراتب باشد، در این صورت معنا ندارد که یک حقیقت در مرحله‌ای دارای اثری باشد و در مرتبه دیگر دارا نباشد.

این خلاصه برهان فلسفی است که مرحوم صدرالمتألهین

(۱۲۶) تسبیح طبیعت

در اسفار(۱)، در موارد مختلفی، پیرامون آن بحث و گفت‌وگو نموده است و می‌گوید: ظواهر آیات قرآن، این حقیقت را تأیید می‌کند. آن‌جا که می‌فرماید:

«...وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِه وَ لکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ...» (۴۴ ـ اسراء).

«همه موجودات با ستایش خود خدا را تنزیه می‌کنند، ولی شما از نحوه تسبیح آن‌ها آگاه نیستید».

۱ـ اسفار، ج ۱، ص ۱۱۸ و ج ۶، ص ۱۳۹ ـ ۱۴۰.

تسبیح طبیعت (۱۲۷)

مرحوم صدرالمتألهین، این حقیقت فلسفی و قرآنی را از طریق شهود و مکاشفه نیز درک کرده و در رساله سیر و سلوک خود اشعاری در این مضمون دارد:

بر عارف همه ذرات عالم ملک وارند در تسبیح هر دم

کف خالی که در روی زمین است بر عارف کتاب مستبین است

بهر جا، دانه‌ای در باغ و راغی است درون مغز او روشن چراغی است

(۱۲۸) تسبیح طبیعت

به فعل آید ز قوه هر نهانی ز هر خاکی یکی عقلی و جامی

بود نامحرمان را چشم دل کور و گرنه هیچ ذره نیست بی نور

بخوان تو آیه نور السماوات که چون خورشیدیابی، جمله ذرات

که تا دانی که در هر ذره‌ای خاک یکی نوری است تابان گشت زان پاک

تسبیح طبیعت (۱۲۹)

گسترش شعور و دانش‌های امروز

خوشبختانه دانش‌های امروز، بر اثر زحمات پژوهش‌گران، وجود علم و ادراک را در جهان نبات ثابت نموده است، تا آن جا که دانشمندان روسی معتقدند که گیاهان اعصاب دارند و فریاد هم می‌کشند. لابراتوار علایم کشاورزی «مسکو» فریاد و گریه‌های ریشه گیاهی را که در آب گرم قرار گرفته بود ضبط کرد. خبرگزاری‌های جهان از رادیو مسکو نقل می‌کنند که گیاهان اعصاب دارند، فریاد می‌کشند.

رادیو مسکو، دیشب گوشه‌ای از نتایج تحقیقات

(۱۳۰) تسبیح طبیعت

دانشمندان روسی را در نباتات و گیاهان فاش ساخت و گفت: دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که گیاهان نیز دارای دستگاهی شبیه شبکه اعصاب حیواناتند. این، نتیجه آزمایشی یک دانشمند است که در ساقه کدو و به دستگاه‌های الیافی آن فرستنده‌هایی نصب کرد و سپس مطالعات را با تعقیب ریشه و گیاه دنبال کرد و انجام بریدگی در ریشه گیاه، با عکس‌العمل گیاه مواجه شد.

همزمان با این آزمایش، آزمایش مشابهی در آزمایش‌گاه «فیزیولوژی نباتات فرهنگستان علوم کشاورزی» نتیجه

تسبیح طبیعت (۱۳۱)

مشابهی به بار آورد. در این آزمایش، ریشه گیاهی را در آب گرم قرار دادند و متوجه شدند که صدای فریاد گیاه بلند شد ؛ البته فریاد گیاه آن‌چنان نبود که به گوش برسد، ولی گریه‌ها و فریادهای نامرئی این گیاه را دستگاه‌های دقیق الکترونیکی، روی نوار پهنی ضبط کردند. (۱)

گسترش شعور و آگاهی در تمام ذرّات جهان، از موضوعاتی است که برای اثبات آن، طرق و راه‌های

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۶ بهمن ۱۳۵۲.

(۱۳۲) تسبیح طبیعت

گوناگونی وجود دارد و هر گروهی از طریق ویژه خود به آن می‌رسند:

. عارفان و اصحاب سیر و سلوک از طریق ریاضت و تصفیه نفس از آلایش، ضمیر را آن چنان صاف و شفاف می‌سازند که این حقیقت بر قلوب آنان منعکس می‌گردد، و «نطق آب و خاک و گِل» را به گونه‌ای احساس می‌کنند، هر چند دیگران از چنین حس و درکی محرومند.

. فلاسفه از طریق برهان فلسفی به آن پی برده و گسترش شعور را، نتیجه دو اصل «اصالت وجودی» و

تسبیح طبیعت (۱۳۳)

«اشتراک حقیقت آن» می‌دانند، همچنان که برهان آن را در آغاز بخش یادآور شدیم.

. پیروان وحی و شریعت‌مداران، با بررسی آیات قرآنی، به این حقیقت پی برده‌اند و آیاتی که بر این گواهی می‌دهد در آغاز بحث مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

. پیروان مکتب تجربه و این که همه حقایق باید در بوته آزمایش قرار گیرد، از طریق آزمون، به آن راه یافته‌اند، همچنان که تجربه دانشمندان علوم طبیعی بر آن گواهی داد و امید است که با گذشت زمان و در پرتو آزمون‌های گوناگون این حقیقت قرآنی تجلی بیشتری پیدا کند.

(۱۳۴) تسبیح طبیعت

اصولاً ابتکار «صدر المتألهین» در ابداع سیستم جدید فلسفی در این خلاصه می‌شود که مرجع «مشارب سه گانه» عرفان، فلسفه، وحی را یکی قرار داد و هر نوع اندیشه تضاد و اختلاف میان آن‌ها را با افکار بلند خود، از میان برداشت خوشبختانه، در مسأله مورد بحث مرجع «مشارب چهارگانه» (به اضافه علم و تجربه) یکی شده است، و حقیقتی را که، موحدان به آن از طرق گوناگون پی برده بودند، لائیک‌ها از راه تجربه به آن رسیده‌اند .

تسبیح طبیعت (۱۳۵)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان


www